

جایگاه بزه‌دیده در حقوق و رویه دیوان کیفری بین‌المللی

علیرضا قاسمی ساغند

دانش آموخته دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

amirikhan.gh2021@gmail.com

چکیده: بزه‌دیده عنصری است که حقوق او با ارتکاب جرم مورد تجاوز قرار گرفته است. اگر چه بدیهی به نظر می‌رسد که عامل متحمل رنج بزهکاری، مهم‌ترین عنصر فرآیند عدالت کیفری تلقی شود، اما نه تنها در حقوق داخلی بلکه در حقوق بین‌الملل کیفری نیز این تصور همواره محقق نبوده است. با وجود مغفول واقع شدن بزه‌دیده در اسناد دادگاه‌های بین‌المللی کیفری اختصاصی قدیمی در نسل جدید این دادگاه‌ها و به ویژه در حقوق و رویه دیوان کیفری بین‌المللی، بزه‌دیده از جایگاه مهمی در مرحله تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای حکم برخوردار شده است، اما چالش‌ها و کاستی‌هایی نیز در این زمینه ملاحظه می‌شود. نواقصی که باید با لحاظ تحولات مهم و به نفع بزه‌دیدگان مورد قضاوت قرار گیرد. اما نمی‌توان از این نقد اغماض کرد که دیوان فرصت تاریخی اعطای حق دادخواهی جزایی به افراد جامعه جهانی در برابر مرتکبین جنایات بین‌المللی را تا حد زیادی دچار مضيقه نموده است.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، عدالت ترمیمی، دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت بین‌المللی

مقدمه: مفهوم بزه‌دیده در حقوق بین‌الملل کیفری

بزه‌دیده شخصی است که حقوق او با ارتکاب جرم مورد تجاوز قرار گرفته است. اگر چه بدیهی به نظر می‌رسد که عامل متحمل رنج بزه‌کاری، مهم‌ترین عنصر فرآیند عدالت کیفری تلقی شود، اما نه تنها در حقوق داخلی بلکه در حقوق بین‌الملل کیفری نیز این تصور همواره محقق نبوده است. آن چنان که: "جایگاه قربانی جرم در حقوق بین‌المللی کیفری تا حدود زیادی حلقه گمشده عدالت کیفری بین‌الملل خواهد بود؛ زیرا وقتی تنها هدف، مجازات مرتکبین جرائم است، از همان ابتدا حقوقی که از قربانی ضایع شده، نادیده گرفته می‌شود و وضعیت قربانیان از جرم نهایتاً به وضعیت‌های مشابهی مانند پناهنده تنزل پیدا می‌کند."^۱

در اسناد محاکم کیفری اختصاصی پیش از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی - دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو - تعریفی از بزه‌دیده ارائه نشده است.^۲ این بی‌اعتنایی چنان عمیق بوده که از بزه‌دیدگان در برابر این نسل از دادگاه‌ها به عنوان "گروه شکست خورده" یاد شده است.^۳ با این حال ماده ۲ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی سابق و عین ماده ۲ آیین دادرسی دادگاه روندا، بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: "شخصی که علیه او یکی از جرائمی که ادعا شده، ارتکاب یافته و دادگاه نیز صلاحیت رسیدگی آن را داراست."

اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به موجب قطعنامه شماره ۴۰/۳۴۰ در سال ۱۹۸۵ تصویب شد در تعریف بزه‌دیده مقرر می‌دارد که «بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو از جمله، قوانینی که سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند، به صورت فردی یا گروهی به آسیب، از جمله آسیب بدنی و روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند».

«بزه‌دیدگان» از نظر ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، عبارتند از اشخاص حقیقی که در نتیجه ارتکاب یکی از جنایات مشمول صلاحیت [دیوان] متحمل ضرر شده‌اند، این اصطلاح ممکن است شامل "واحدهای حقوقی که ضرر مستقیمی به اصول آن‌ها که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری یا علمی یا خیریه اختصاص یافته یا به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و سایر اماکن و اشیاء مربوط به مقاصد انسان دوستانه آن‌ها وارد آمده"^۴ نیز شود.

قربانیان جرم یا نمایندگان قانونی آن‌ها، حق خواهند داشت به‌منظور بیان دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خویش، در جریان رسیدگی وارد شده و دخالت نمایند. اشاره به واحدهای حقوقی در تعریف فوق، منعکس‌کننده این واقعیت است که ارتکاب برخی جنایات، از قبیل جنایات جنگی موضوع شق نهم جزء (ب) بند ۲ و شقوق دوم و چهارم جزء (ه) بند ۲ ماده ۸ متوجه واحدهای حقوقی می‌باشد و به همین لحاظ شایسته است این واحدها نیز بزه‌دیده توصیف شوند.

پیش از آنکه تعریفی را که به نظر می‌رسد صحیح‌تر از بقیه باشد ارائه دهیم، توجه به چند نکته ضروری است اولاً: «به نظر می‌رسد باید میان بزه‌دیده و مجنی علیه تفاوت قائل شد. واژه مجنی علیه یعنی کسی که جنایتی علیه او رخ داد. جنایت نیز به معنای جرائم علیه تمامیت جسمی اشخاص مثل قتل و جرح عضو و سقط جنین

۱. سید قاسم زمانی و سید ابراهیم حسینی، «مفهوم قربانی در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۹ (نیم سال اول ۱۳۹۶)، ۱۷۱.

۲. محسن لعل‌علیزاده، «بررسی تطبیقی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۱۹، (۱۳۹۶)، ۹۶.

۳. بهزاد رضوی فرد و حسن فقیه محمدی، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی ریاست جمهوری ۴۵، (۱۳۹۰)، ۱۹۷.

۴. گیتی شیبازری، کریانگ ساک، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳)، ۵۵۴.

و... است. بر این اساس نمی‌توان به صاحب مال در جرم سرقت، مجنی علیه اطلاق کرد، لذا کلمه جامع واژه بزه‌دیده است. ثانیاً: باید میان بزه‌دیده و قربانی نیز تفاوت قائل شد؛ به این معنا که رابطه میان این دو واژه، رابطه عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر قربانی، بزه‌دیده است، ولی هر بزه‌دیده قربانی نیست»^۵.

واژه قربانی بیشتر در مواردی کاربرد دارد که ضرری جسمی یا مالی یا روحی به دیگری وارد نشده باشد اما بزه‌دیده همان طور که در تبیین تعریف اعلامیه اصول بنیادی عدالت گذشت، اعم از آن است که ضرری به او یا به حقوق بنیادی او لطمه وارد شده باشد.

" نکته قابل توجه در حقوق بین‌الملل کیفری معاصر این است که علاوه بر اشخاص حقیقی اشخاص حقوقی نیز می‌توانند به عنوان قربانی شناسایی شوند. نهادها و سازمان‌های حقوقی مثل بیمارستان‌ها، مدارس، آثار باستانی و هنری و از این قبیل نیز قربانی تلقی می‌شوند. جامعه بین‌المللی، در حال حاضر دارای ویژگی‌های یک جامعه، آن‌گونه که در عرصه دولتی است، نمی‌باشد. به همین دلیل شناسایی وضعیت قربانی برای آن دشوار است"^۶.

بر اساس نکات فوق به نظر می‌رسد که بهتر است بزه‌دیده چنین تعریف شود: «بزه‌دیده شخصی است حقیقی یا حقوقی که در پی وقوع فعل یا ترک فعل مجرمانه، متحمل ضرر مادی، جسمی یا روانی، یا معنوی شده یا در معرض خطر واقع شده و یا به یکی از حقوق اساسی به رسمیت شناخته شده قانونی او لطمه وارد آمده است». بالاخره ورای همه این تعاریف در واقع، در پی وقوع یک جنایت بین‌المللی "روح جمعی جامعه ملی در مرحله اول و روح جامعه جهانی در سطحی وسیع‌تر قربانیان بزرگی به شمار می‌آیند. بنابراین در مطالعه مفهوم قربانیان جرم نباید تنها به بعد فردی به مسئله نگریست"^۷.

1- جایگاه بزه‌دیده در کلیت نظام حقوق بین‌الملل کیفری

اندیشه مجازات مرتکبین جنایات و عاملان جنگ‌ها و خونریزی‌ها و رفتار غیرانسانی از قرن‌های گذشته مطرح بوده است، اما به صورت جدی حدود یک قرن است که مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته و متعاقب آن اقدامات عملی در این خصوص انجام پذیرفته است. برای مقابله با پدیده بی‌کیفرانی بعد از جنگ جهانی اول محاکمه پادشاه آلمان بر اساس مواد ۲۲۷، ۲۲۸ و ۲۲۹ معاهده صلح ورسای مدنظر قرار گرفت که به واسطه ممانعت هلند از تحویل پادشاه آلمان محقق نشد. اما بعد از جنگ جهانی دوم به تدریج شاهد تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری هستیم که از دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو آغاز می‌شود و به دیوان بین‌المللی کیفری ختم می‌شود. بی‌تردید تعقیب و مجازات جنایتکاران بین‌المللی می‌تواند تسکین بخش درد و رنج میلیون‌ها انسان قربانی این شرارت‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوز باشد. در این میان به تدریج فرآیند عدالت کیفری بین‌المللی بیش از پیش به سمت و سوی بزه‌دیده محوری حرکت کرده است. آن چنان که برخی صاحب نظران به حق بیان می‌دارند: "امروزه بزه‌دیده مداری، هدف اصلی نظام کیفری بین‌المللی است"^۸. مفهوم نسل‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نشان‌دهنده این است که این دادگاه‌ها در سایر تحولات بین‌المللی در یک مسیر تکاملی قرار گرفته‌اند. نسل‌های اول و دوم و سوم این دادگاه‌ها، موقت هستند و نسل چهارم که تکامل یافته‌تر از نسل‌های قبل است، دیوان دائمی است. هر چند، در این مسیر نقایص و مشکلات زیادی وجود دارد اما اصل تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری دائمی مثبت ارزیابی می‌شود.

از دهه هشتاد میلادی به بعد، و به‌ویژه در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰، قربانیان و حقوق آنان به طور برجسته‌ای در روند اجرای عدالت بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. پس از جنگ جهانی دوم، جامعه بین‌المللی سازوکارهای مختلفی را برای مقابله با نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بین‌الملل توسعه داده، با این حال نقش و حقوق قربانیان و بازماندگان جنایات

۵. احمد حاجی ده‌آبادی، جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، (تهران: سازمان انتشارات، ۱۳۸۸)، ۶۰.

۶. سید قاسم زمانی و سید ابراهیم حسینی، پیشین، ۱۸۶.

۷. سید قاسم زمانی و سید ابراهیم حسینی، پیشین، ۱۷۱-۱۷۲.

۸. هیبت‌الله نژندی منش و شهریار آموزگار، «جایگاه بزه‌دیده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه قضاوت ۹۱ (۱۳۹۶)، ۱۳۶.

بین‌المللی در سازوکارهای برقراری عدالت کیفری بین‌المللی برای یک دوره طولانی نادیده انگاشته شده بود. قواعد حقوق بشر در ارتباط با حقوق و حمایت از قربانیان و جبران خسارت آنان در مقایسه با قواعد حقوق بین‌الملل کیفری بسیار پیشرفته‌تر محسوب می‌شوند و با سرعت بیشتری تکامل یافته است. بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، چارچوب کلی حقوقی‌ای را برای حق جبران خسارت و دریافت غرامت قربانیان نقض حقوق بشر بنانهاده‌اند و تعهداتی را برای پیگرد و مجازات مسئولین نقض‌های حقوق بشر مقرر کرده‌اند.^۹ بر طبق این اسناد، اشخاصی که حقوق اساسی‌شان در نتیجه اعمال غیرقانونی مقامات دولتی نقض شده است مستحق جبران خسارت می‌باشند و تعدادی از معاهدات حقوق بشری نیز مقررات ویژه‌ای برای پیگرد و مجازات مسئولین نقض‌های حقوق بشر و پرداخت غرامت به قربانیان معین کرده‌اند.^{۱۰} مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز تعهدات مستقیم و غیرمستقیمی را بر دولت‌ها در ارتباط با حقوق قربانیان و حق جبران خسارت آنان وضع کرده است.^{۱۱}

اعلامیه سازمان ملل متحد درباره اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرائم و سوءاستفاده از قدرت اولین سند بین‌المللی است که به طور ویژه به حقوق و منافع قربانیان اختصاص یافته و قدم بزرگی در به رسمیت شناختن حقوق قربانیان در اسناد بین‌المللی محسوب می‌شود.^{۱۲} این اعلامیه با تعریف واژه قربانیان به اعلام حقوق آن‌ها به‌ویژه حق دادخواهی پرداخته است. اصول اساسی و راهنمای سازمان ملل متحد درباره حق جبران خسارت و پرداخت غرامت به قربانیان نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی دیگر سند بین‌المللی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که اهمیت مسئله دادخواهی و جبران خسارت قربانیان نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی و تعهد جامعه بین‌المللی برای رسیدگی به رنج و آسیب‌های قربانیان، بازماندگان و نسل‌های آینده را تأیید می‌کند. این سند بر حق دادخواهی مؤثر قربانیان برای جبران خسارت و پرداخت غرامت تأکید کرده و همچنین وظایف دولت‌ها در تحقیق، پیگرد و مجازات عاملین نقض‌های گسترده در راستای اجرای عدالت برای قربانیان یادآور می‌شود. اصول کلی سازمان ملل متحد برای حمایت و ترویج حقوق بشر از طریق اقدام برای مقابله با بی‌کیفرمانی سند دیگری است که به تعهدات کلی دولت‌ها برای اقدام مؤثر در جهت مقابله با بی‌کیفرمانی و جبران خسارت مؤثر قربانیان و تضمین دریافت غرامت برای آسیب‌هایی که متحمل شده‌اند اشاره دارد. این سند، حقوق متعددی را از جمله حق بر دانستن، حق بر عدالت، حق دریافت غرامت و تضمین عدم ارتکاب مجدد را برای قربانیان به رسمیت شناخته است.^{۱۳} توصیه نامه شماره ۲۱(۸۷)R در مورد کمک به بزه دیدگان و جلوگیری از بزه دیدگی از جمله دیگر اسناد بین‌المللی است که در جهت حمایت از بزه دیدگان تدوین شده است.^{۱۴} این توصیه نامه که از سوی کمیته وزرای شورای اروپا و به سال ۱۹۸۷ تصویب شده است در ۱۹ بند وظایفی را برای دول عضو در خصوص بزه دیدگان معین کرده است. سند مهم دیگر کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشن مصوب ۱۹۸۳ است. به طور کلی حق جبران خسارت مؤثر، حق رفتار بر اساس احترام و کرامت، حق حمایت و مساعدت و حق درخواست غرامت از جمله حقوقی است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای برای قربانیان نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را به رسمیت شناخته شده است. حق جبران خسارت مؤثر شامل حق پیگرد و مجازات افرادی است که مسئول نقض‌های گسترده حقوق بشری می‌باشند و از طریق دادگاه صالح به منظور جبران خسارت کافی و مؤثر قربانیان

9. Art. 8, The Universal Declaration of Human Rights; Art. 41 of The European Convention on Human Rights; Art. 63, The American Convention on Human Rights. Art. 1, The Convention for the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide; Art. 4 and 12-14, The Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment; Art. 6, International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination; Art. 8 and 12.

10. Art. 2 (3), International Covenant on Civil and Political Rights; Art. 14, The Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment; Art. 13. European Convention on Human Rights, Art. 8 and 25, American Convention on Human Rights; Article 7(1).

11. Art. 3, Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, 18 October 1907.

12. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, adopted by the UN The General Assembly resolution, 29 November 1985.

۱۳. هیئت الله نژندی منش و شهریار آموزگار، پیشین، ۱۳۶.

اعمال می‌شود. حق رفتار شدن بر اساس احترام و کرامت شامل آگاه ساختن قربانیان از حقوق و منافعشان و در جریان قرار دادن آنان از همه مراحل دادخواهی و وضعیت رسیدگی به منافعشان می‌باشد. حق برخورداری از حمایت و مساعدت شامل حمایت از قربانیان در جریان رسیدگی‌های قضایی و پس از آن، حراست از حریم خصوصی و حمایت و اطمینان از امنیت قربانیان، خانواده‌شان و شاهدان در برابر ارباب و تلافی و فراهم آوردن کمک‌های لازم مادی، پزشکی، روانی و اجتماعی می‌باشد. حق درخواست غرامت به معنای پرداخت غرامت کافی، مؤثر و فوری به قربانیان متناسب با شدت نقض و آسیب‌هایی که متحمل شده‌اند می‌باشد. شیوه‌های جبران خسارت بر اساس مقررات اسناد مربوطه به طور کلی از طریق پرداخت غرامت، اعاده وضعیت به سابق، بازپروری و توان‌بخشی، اقناع و رضایتمندی قربانیان و بالاخره تضمین عدم تکرار صورت خواهد گرفت.

2- جایگاه بزه‌دیده در دیوان بین‌المللی کیفری

در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در کنفرانس دیپلماتیکی که در شهر رم برگزار شد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به امضای اکثریت نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس رسید و اساسنامه در اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی لازم الاجرا شد. با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در اواخر قرن بیستم و لازم الاجرا شدن آن در اوایل قرن بیست و یکم محکمه‌ای دائمی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی و تضمین صلح و امنیت جهانی ایجاد شد که از جمله مهم‌ترین اهداف آن مقابله با بی‌کیفرمانی جنایتکاران بین‌المللی برای پیشگیری از تکرار وقوع چنین جرائمی در آینده است. از نگاه صاحب نظران "تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، برجسته‌ترین حرکت حقوق بین‌الملل در دهه پایانی قرن بیستم است. با تأسیس این دیوان، بزه‌دیدگان از جایگاه والایی در نظام حقوق کیفری بین‌المللی برخوردار شده‌اند."^{۱۴}

در واقع، در رویه‌ی دادرسی‌های بین‌المللی قبل از تشکیل دیوان، بزه‌دیده؛ تنها به‌عنوان شاهد، واجد قابلیت مداخله و ایفای نقش در دادرسی بود. علی‌رغم مقررات اشاره شده و عملکرد این دادگاه‌ها، اولین رئیس دادگاه یوگسلاوی پیشین، بیان می‌دارد: "یگانه جایگزین متمدنانه‌ی میل به انتقام، اجرای عدالت ترمیمی است"^{۱۵}. در دیوان کیفری بین‌المللی، بزه‌دیدگان، ضمن مراحل رسیدگی حق دارند که دیدگاه‌ها و نگرانی‌هایشان را به قضات اعلام نمایند. از این حق به "مشارکت" تعبیر شده است که عمدتاً از طریق نمایندگان حقوقی بزه‌دیدگان، اعمال می‌شود. در واقع، "اساسنامه‌ی رم، به‌عنوان سند تأسیس دیوان، نسبت به دادگاه‌های بین‌المللی پیشین، از طریق شناسایی، مشارکت، محافظت و اقدامات حمایتی، به بزه‌دیده نقش بسیار بیشتری در آیین رسیدگی به جرائم داده است"^{۱۶}. اهمیت موقعیت بزه‌دیدگان در دیدگاه تدوین‌کنندگان مقررات دیوان، به آن پایه است که چهار بخش خاص برای حمایت از بزه‌دیدگان، شامل: بخش مشارکت بزه‌دیدگان و جبران خسارت (ترمیم)، واحد بزه‌دیدگان و شهود، دفتر مشاوره‌ی عمومی ویژه‌ی بزه‌دیدگان و سرانجام صندوق تأمین بزه‌دیدگان در نظر گرفته شده است.

2-1-1-2- حقوق بزه‌دیدگان در مرحله‌ی تعقیب

در این قسمت کلیه حقوق متصوره و مورد شناسایی قرار گرفته بزه‌دیدگان در مرحله تعقیب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

2-1-1-2- حق شناسایی و تکریم بزه‌دیده

"رسیدگی به شکایت بزه‌دیده که جرم و آثار آن (بزه دیدگی اولیه یا اصلی) را تجربه کرده است نباید زمینه‌ی رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به او را فراهم کند"^{۱۷}. "در همین راستا مشارکت و حضور بزه‌دیده؛ به‌ویژه در شروع

۱۴. بهزاد رضوی فرد و حسن فقیه محمدی، پیشین، ۱۹۹.

15. Findlay, Mark and Mclean, Clare. Emerging International Criminal Justice, Current Issues in Criminal Justice. 18, (3) , 2007, p.457- 480. (Research Collection School Of Law).

16. Moffett, Luke ; Realising Justice for Victims before the International Criminal Court ; ICD Brief 6 September 2014 ; p.3.

۱۷. علی‌حسن نجفی‌ایرندآبادی، «رویکرد جرم‌شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، مجله تعالی حقوق ۱۳ و ۱۴

کردن دعوای کیفری، نباید تصنعی و تشریفاتی، بلکه واقعی و فعال باشد. نباید منزلت وی در حد یک شاهد یا مطلع صرف تنزل یابد. علاوه بر این، بزه دیده نباید در صف تماشاگران بنشیند و نمایشی تراژیک را نظاره کند که بازیگران آن دادستان، متهم، وکیل، قاضی و ... هستند^{۱۸}.

2-1-2- حق دسترسی فوری و آسان به نظام عدالت کیفری

"یکی از جهات عمده اهمیت موقعیت و نقش بزه دیده این است که در بسیاری از پرونده‌ها، این اطلاعات بزه دیدگان بوده که منجر به شروع تحقیقات از سوی دادستان شده است"^{۱۹}. دیوان متعهد به ارائه‌ی مساعدت‌های مناسب اداری و فنی قابل دسترس به بزه دیدگان است و در تعیین محدوده‌های زمانی فرایند رسیدگی به «ضرورت تسهیل عدالت و تسریع رسیدگی» و به‌طور خاص مدنظر قرار دادن «حقوق وکیل مدافع و بزه دیدگان» توجه دارد. "بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، لطمه به حق دسترسی و مشارکت بزه دیده در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی، زمره‌ی جهات نقض شدید حقوق بشر محسوب می‌گردد"^{۲۰}.

2-1-3- حق آگاهی یافتن از حقوق

"اصل اطلاع‌رسانی به بزه دیده شامل آگاهی از جریان دادرسی و آگاهی یافتن از حقوق است"^{۲۱}. اگرچه بهره‌مندی از این حق محدود به این مرحله نبوده و تمام مراحل دادرسی را شامل می‌شود، اما از آنجاکه شروع دادرسی‌ها با تعقیب آغاز می‌شود و امر «آگاه‌سازی» از این مرحله شروع شده؛ لذا اهمیت این حق در شروع و جریان دعوای کیفری اثر و نمود بیشتری دارد. در دیوان این آگاه‌سازی از تکالیف واحد بزه دیدگان و شهود است.

2-1-4- حق مکتوم ماندن هویت و نشانی بزه دیده

از جمله مسئولیت‌های واحد بزه دیدگان دیوان، تضمین حفظ رازداری از سوی تمام کارکنان، در کلیه مراحل است. نظم و تقسیم‌کاری که دیوان از طریق ایجاد واحدهای فرعی و مستقل با مسئولیت‌های مجزا در این زمینه دارد، موجب تأمین بهتر حقوق بزه دیدگان و نیز جلب اعتماد آنان می‌شود. "در رویه‌ی قضایی دیوان پذیرفته شده است که افشای هویت بزه دیده‌ی مشارکت‌کننده، برای طرفین دعوا ضرورت ندارد و قضات با توجه به شرایط هر دعوا، اقدامات لازم را برای عدم ایجاد لطمه به حقوق متهم اتخاذ خواهند کرد"^{۲۲}.

2-2- حقوق بزه دیدگان در مرحله‌ی تحقیق

در این بند حقوق متصوره بزه دیده در مرحله تحقیق مورد موشکافی قرار می‌گیرد.

2-2-1- حق حفاظت از بزه دیده و خانواده‌ی وی

در دیوان، تأمین اقدامات حفاظتی و امنیتی مناسب و ایجاد طرح‌های حمایتی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای حفاظت از بزه دیدگان، در وهله اول؛ ضمن مشورت با وکلای مدافع آنان و در مرحله دوم، با در نظر گرفتن نیازها و شرایط خاص، برای هرکس که احساس شود درخطر است، لحاظ می‌گردد. به تدابیر گسترده‌ی حفاظتی از بزه دیدگان در تمام مراحل کراراً در مقررات دیوان اشاره شده است. اتخاذ تدابیری مانند استفاده از نام‌های

مستعار و مشارکت بزه‌دیده از طریق ویدئو کنفرانس در همین راستا صورت گرفته است. "مواد ۸۷ و ۸۸ آیین دادرسی و ادله دیوان، دو قاعده‌ی اساسی در رژیم حفاظتی دیوان هستند که اختصاصاً به بحث حفاظت از بزه دیدگان و شهود می‌پردازند. این مواد، اساساً از بند ۱ ماده ۶۸ و بند ۲ ماده ۶۹ اساسنامه‌ی رم نشئت گرفته‌اند"^{۲۳}. در بند ۵ ماده ۶۸ اساسنامه، تصریح شده است که چنانچه افشای مدارک یا اطلاعات، شاهد یا خانواده او را در معرض خطر شدید قرار دهد، دادستان می‌تواند تا جایی که این امر منافی با حقوق متهم نباشد به ارائه‌ی خلاصه‌ای از آن اکتفا نماید. در این زمینه، هرچند اساسنامه راجع به بزه‌دیده و خانواده‌ی وی ساکت است، اما به نظر می‌رسد منعی در جهت تعمیم آن به ایشان نداشته باشیم. در همین راستا، بند ۱ ماده ۸۸ آیین‌نامه‌ی دبیرخانه دیوان نیز تأکید کرده است که باید از اطلاعات مربوط به خانواده‌ی بزه دیدگان که ممکن است در معرض خطر باشند، محافظت شود.

2-2-2- حق مشارکت در تحقیقات و ارائه‌ی ادله

بزه‌دیده بهترین شخصی است که با ارائه‌ی اطلاعات و جزئیات از زوایای رویداد مجرمانه، می‌تواند مقامات تحقیق را در کشف حقیقت و درک صحیح از چگونگی رخدادها یاری نماید. اظهارنظر بزه‌دیده راجع به آثار جرم بر خود و نیز حکم محکومیت و آنچه که بزه‌کار را مستحق اعمال آن می‌داند از حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود. بزه دیدگان به‌منظور مشارکت در دیوان، باید فرم‌های درخواست را که از طریق سایت دیوان، قابل دسترس است، تنظیم نمایند. یکی از حقوقدانانی که نمایندگی بزه دیدگان در وضعیت دارفور را بر عهده داشت، گفته است که تکمیل درخواست از سوی بزه دیدگان، دانش حقوقی بسیار زیادی را می‌طلبد و لذا انجام آن توسط اشخاص غیرمتخصص مقدور نیست. "مقررات موضوعه دیوان در خصوص مشارکت بزه دیدگان، کلی است و این امر؛ قضات را قادر می‌سازد تا رویکرد موسعی در این راستا اتخاذ نمایند"^{۲۴}.

2-2-3- حق اطلاع از محتویات پرونده

دیوان از طریق واحد شهود و بزه دیدگان، مکلف است به نمایندگان بزه دیدگان، اطلاعات کافی و تسهیلات ضروری در اجرای مستقیم وظایفشان را ارائه نماید.

2-2-4- حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی

اساسنامه رم، اولین و تنهاترین مرجع در میان مراجع کیفری بین‌المللی است که به بزه‌دیده این امکان را می‌دهد، نماینده‌ی قانونی داشته باشد. مساعدت بزه دیدگان در برخورداری از مشاور حقوقی و سازمان‌دهی نمایندگان قانونی آنان برعهده واحد بزه دیدگان و شهود در دیوان است. برای این منظور فهرستی از وکلا و مشاوران در اختیار بزه‌دیده قرار می‌گیرد؛ البته این امر مانع از انتخاب کسانی خارج از فهرست که واجد معیارهای تخصصی اعلام شده باشند، نمی‌گردد؛ علاوه بر این، برای کسانی که استطاعت مالی ندارند، امکان برخورداری رایگان از وکیل در نظر گرفته شده است. حتی مساعدت مالی مناسب در این خصوص هم می‌تواند برای بزه‌دیده لحاظ گردد. افزایش روزافزون ارائه‌ی درخواست‌های بزه دیدگان برای بهره‌مندی از مساعدت‌های حقوقی از طریق نمایندگی قانونی، نشان‌دهنده‌ی اعتماد آنان به این نهاد است. میزان کمک‌های مالی به نمایندگان قانونی بزه دیدگان در سال ۲۰۱۲ حدود ۴/۹ میلیون یورو بوده است.

2-2-5- حق درخواست صدور قرار تأمین خواسته و تضمین زیان وارده به بزه‌دیده

"قرار تأمین خواسته یکی از سازوکارهای حمایتی از بزه‌دیده برای تضمین و تسهیل دستیابی وی به جبران

23. Helen Brady, 'Disclosure of Evidence', in Elements and Rules, Criminal Court: The Search and Seizure Right to Privacy' the Yale Journal of International Law, NO, 26, 2001, p. 343.

۲۴. بهزاد رضوی فرد و حسن فقیه محمدی، پیشین، ۱۹۵.

خسارت است. قطعی و غیرقابل اعتراض بودن این قرار، چنین تضمینی را تقویت می‌کند^{۲۵}. دیوان، مقررات بسیاری را به تأمین و جبران خسارات بزه دیدگان اختصاص داده است. در ارزیابی خسارات و شیوه‌های جبران، دیدگاه‌های بزه دیدگان در جلسه‌ای مستقل، استماع می‌شود. شعبه‌ی مقدماتی باید همکاری کشورها را در خصوص انجام اقدامات تأمینی به‌منظور ضبط اموال و به‌ویژه برای حفظ منافع آتی بزه دیدگان جلب نماید. «صندوق تأمین» که توسط مجمع کشورهای عضو اداره می‌شود برای حفظ منافع بزه دیدگان و خانواده‌های آنان؛ به‌ویژه در مواردی که به هر ترتیب، اخذ تأمین و جبران از سوی بزه‌کار امکان‌پذیر نباشد، اقدامات مناسب را معمول می‌نماید.

2-2-6- حق بزه‌دیده به محرمانه ماندن تحقیقات

"مراحل گوناگون فرایند جنایی باید به‌گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدامات تلافی‌جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی در او احساس امنیت ایجاد کند"^{۲۶}. دیوان دادستان را مسئول نگهداری، حفاظت و امنیت اطلاعات و ادله‌ی جمع‌آوری‌شده در جریان تحقیقات می‌داند. همچنین دیوان در انتشار اسناد، امانت‌داری و حفاظت امنیت بزه دیدگان را تضمین نموده است. دیوان در راستای جلوگیری از آشکارسازی هویت یا محل سکونت بزه‌دیده تدابیری چون، پاک کردن اطلاعات از بایگانی، استفاده از اسم مستعار و غیرعلنی بودن رسیدگی را می‌تواند اتخاذ نماید.

2-2-7- تساوی سلاح‌ها و هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده با متهم

"کوشش برای ایجاد برابری میان بزه‌دیده و بزه‌کار، دغدغه‌ای کلاسیک در نظریه دادگری ارسطو است. دادگری اصلاح‌گر درصد ایجاد برابری‌ای است که پیش از عمل خطا کارانه میان بزه‌دیده و بزه‌کار وجود داشته است"^{۲۷}. بزه‌کار و بزه‌دیده به‌عنوان کنشگران اصلی جرم محسوب می‌شوند و با اکتفای بر اصل "تساوی سلاح‌ها"، حمایت از بزه‌دیده نباید حقوق مسلم و بنیادین و تضمینات اساسی برای متهم و بزه‌کار را مخدوش نماید. لذا طرفین باید بتوانند فرصت و امکانات مناسب به‌منظور دسترسی به عدالت را داشته باشند. طبق اصل یادشده، همه‌ی اشخاص باید بدون تبعیض، حق دسترسی یکسان به دادگاه داشته باشند. هم‌ترازی حق‌ها یک هنجار راهبردی کلی حقوق بشری است که شناسایی و احقاق حق‌های بزه‌دیده و متهم در دادرسی دادگرانه را با یکدیگر سازش می‌دهد. "هدف دادگری جنایی بر پایه‌ی این اصل هم‌ترازی، عبارت است از شناسایی و فراهم کردن زمینه‌ی احقاق هم‌تراز حق‌های دو بازیگر فرایند جنایی، یعنی؛ متهم و بزه‌دیده"^{۲۸}. در همین راستا، دیوان به‌منظور تساوی سلاح‌ها، تلاش نموده است تا حق بزه‌دیده راجع به ارائه‌ی دلیل را از طریق نقش دادستان و کیل مدافع، محدود کند و در جهت نیل به دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه، تلاش شده که اصل هم‌ترازی میان بزه‌دیده و متهم مراعات گردد. با وجود این، دستیابی به توازن درخور میان بزه‌دیده و متهم، یکی از چالش‌های اصلی فراروی دیوان در آینده است.

2-2-8- حق برخورداری از مترجم و کارشناس

اساسنامه‌ی دیوان در پاراگراف ۱ ماده ۶۷، برای متهم حق برخورداری از مترجم رایگان را در نظر گرفته است، اما برای بزه‌دیده، به‌روشنی به چنین حقی اشاره نشده است. با وجود این، دیوان به‌طور کلی خود را متعهد به فراهم نمودن خدمات ترجمه‌ای کتبی و شفاهی لازم برای همگان می‌داند.

۲۵. پیمان ابراهیمی، «بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری ۵۲ و ۵۳ (۱۳۸۴)، ۳۰۲.

۲۶. محسن لعل‌علیزاده، پیشین، ۱۱۷

۲۷. جرج فلچر، «جایگاه بزه دیدگان در نظریه سزادهی»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله حقوقی دادگستری ۶۲ و ۶۳ (۱۳۸۷)، ۳۱۴-۳۱۳.

۲۸. مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، (تهران: انتشارات دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۰)، ۱۲۷.

2-3-3- حقوق بزه دیدگان در مرحله‌ی دادرسی

"بزه‌دیده به عنوان شاکی، حقوقی را در مرحله دادرسی دارا می‌باشد که بتواند از صحت دلایل ارائه شده و ادعای خویش دفاع کند و روند دادرسی را به سوی صدور حکمی با در نظر گرفتن کلیه جوانب و آثار وارده از جرم بر خود، هدایت کند"^{۲۹}.

2-3-1- حق برخورداری از دادرسی عادلانه

در اسناد دیوان، بزه‌دیده نیز طی مواد پراکنده به همراه متهم از حقوقی برخوردار شده است که تضمین‌کننده یک دادرسی عادلانه است. از جمله مطابق پاراگراف ۲ ماده ۶۴ اساسنامه، شعبه بدوی باید مراقبت نماید که محاکمه، منصفانه و سریع بوده و با احترام کامل به حقوق متهم و توجه شایسته به حمایت از قربانیان و شهود انجام شود. رسیدگی به دعوی در یک دادگاه صالح، رسیدگی توسط قضات مستقل و بی‌طرف و تساوی در برابر قانون از جمله عناصری هستند که یک دادرسی منصفانه را برای بزه‌دیده تضمین می‌کنند.

2-3-2- حضور و دخالت بزه‌دیده در دادرسی

به دلیل آن که بزه‌دیده یکی از اصحاب دعوی محسوب می‌شود لذا دخالت وی در دادرسی، امری مطابق قاعده و مورد انتظار است. اسناد دادگاه کیفری بین‌المللی نیز تا حدی به این ضرورت توجه کرده و بزه‌دیده را در مرحله دادرسی کیفری دخیل نموده است. ماده اصلی مرتبط با این موضوع، ماده ۶۸ است که در آن حمایت از بزه دیدگان و شهود و شرکت آن‌ها در دادرسی انعکاس یافته است. همچنین مطابق پاراگراف ۳ ماده ۶۹، طرفین می‌توانند ادله و مدارک خود را برای تشخیص واقعیت به دیوان تسلیم نمایند. به تبع بزه‌دیده نیز از این امر مبرا نبوده و می‌تواند در صورت داشتن ادله و مدارک، تسلیم دیوان نماید تا دیوان بر اساس مقررات لازم و در صورت تائید شدن مدارک تقدیمی از سوی بزه دید با توجه به آن‌ها اتخاذ تصمیم نماید.

2-3-3- حفاظت از بزه‌دیده و شاهد برای حضور در جلسه دادرسی

اساسنامه دیوان و آیین دادرسی و ادله، به حفظ امنیت بزه‌دیده و شاهد توجه خاص نموده و در این راستا علاوه بر اقدام‌های حفاظتی نسبت به بزه‌دیده و شاهد در مسئله حضور، در پذیرش ادله‌ای که مرتبط با امنیت این افراد است نیز تساهل و تسامح نموده است. به همین منظور پاراگراف (۱) ماده ۶۸ اساسنامه که صدر آن به اختیار دیوان در به‌کارگیری اقدام‌هایی به منظور حفاظت از قربانیان و شهود اشاره دارد، در ادامه مقرر داشته است: " دادستان نیز چنین تدابیری را به ویژه در جریان تحقیق و تعقیب جرم اتخاذ خواهد کرد". تنها محدودیت وارد بر این اقدام‌ها که در انتهای همان پاراگراف آورده شده، این است که " این تدابیر نباید منافای یا معارض با حقوق متهم و یک محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه باشد".

به طور معمول گستره جنایات در جرایم تحت صلاحیت دیوان اجازه نخواهد داد، همه بزه دیدگان بتوانند در جریان تحقیق یا دادرسی در جایگاه شاکی قرار گیرند فلذا بخش زیادی از متحملین بزه، لاجرم در مقام شاهد در دادرسی مشارکت می‌کنند. هرچند بزه دیدگانی که در مقام شاهد در دادگاه حاضر می‌شوند این امکان را نخواهند داشت که دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را در دیوان اعلام کنند. اما همین فرصت هم برای تقویت جبهه شکات معتنم خواهد بود. ضمن آن که شهادت شهود به معنای مطلق آن نیز به عنوان یکی از موثرترین ادله اثبات دعوا در دیوان اهمیت فراوانی دارد. حفاظت از شهود بزه‌دیده و بزه دیدگان شاهد و تأمین امنیت آنان در مراحل دادرسی به‌گونه‌ای که آثار آن به بعد نیز تسری یابد، در این عنوان یعنی تأمین امنیت بزه‌دیده قرار می‌گیرد؛ زیرا شهود بزه‌دیده در اثبات جرم که بزه‌دیده را نیز منتفع می‌کند، دخالت دارند. تشخیص ضرورت حفاظت در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط شعبه بدوی صورت می‌گیرد. مطابق بخش (ج) پاراگراف (۳) ماده ۵۷ اساسنامه دیوان، شعبه بدوی می‌تواند در صورت ضرورت، حفاظت و اختفای بزه‌دیده و شهود را مقرر نماید. همچنین مطابق بخش (ه) پاراگراف (۶) ماده ۶۴ اساسنامه، شعبه بدوی در ایفای وظایف خود، قبل یا در حین محاکمه، می‌تواند در صورت

۲۹. لیلا سادات اسدی، حقوق بزه دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، (تهران: انتشارات سمت و دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۹۲)، ۲۱۴.

لزوم حفاظت از متهم، شهود و بزه دیدگان را مقرر نماید.

از سوی دیگر قواعد دادرسی و ادله در پاراگراف (۲) قاعده ۱۷ واحد بزه دیدگان و شهود را مکلف نموده است تا در رابطه با تمام شهود و بزه دیدگانی که در دادگاه حاضر می‌شوند و سایر کسانی که به سبب گواهی ارائه شده به وسیله این شهود، در معرض خطر قرار می‌گیرند، مطابق با نیازهای ویژه و اوضاع و احوال آنان اقدام‌های حفاظتی انجام دهد. این اقدام‌ها می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

- پشتیبانی از آنان از طریق حمایت کافی و اقدام‌های حفاظتی در برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت
 - توصیه به نهادهای دیوان برای تصویب اقدام‌های حمایتی و رایزنی با دولت‌های ذی‌ربط در مورد این اقدام‌ها
 - ارائه آموزش به طرفین دعوی یا دیوان در خصوص امنیت
 - رایزنی با دادسرا و پیشنهاد یک روش جاری با تأکید بر ماهیت امنیت و رازداری برای مأمورین تحقیق دیوان، و کلای مدافع و سازمان‌های تحقیقاتی و غیر دولتی که با درخواست دیوان طرف همکاری می‌باشند.
- یکی از روش‌های حفاظت از بزه دیدگان شاهد، استفاده از نام مستعار برای آنان است. هر چند که بعضی از محققین آن را در تضاد با حقوق متهم دانسته و اظهار می‌دارند که "یک شهادت بی‌نام محدودیت مهمی بر حق دفاع به شمار می‌رود"^{۳۰}.
- بر طبق ماده ۶۹ قواعد دادرسی، عدم افشای هویت شاهد در مرحله تحقیقات، امکان‌پذیر است، اما دادستان در مدت زمان مناسبی قبل از برگزاری محاکمه، با افشای هویت شهود باید به متهم اجازه دهد که دفاعیات خود را تدارک بیند. همچنین بر طبق ماده ۷۵ قواعد دادرسی، دادگاه می‌تواند بنا به تشخیص خود یا درخواست یکی از طرفین یا یکی از شهود، در جلسه‌ای غیرعلنی، مبادرت به اتخاذ تصمیماتی جهت حمایت از شهود کند که این اقدامات می‌تواند شامل مواردی مانند عدم افشای هویت شاهد یا قربانی جرم نسبت به مطبوعات و حذف نام و اطلاعات راجع به هویت از اسناد عمومی دادگاه باشد.
- با توجه به درج این مقررات در ماده مذکور، دادگاه با مشکلی برای پذیرش درخواست دادستان جهت برقراری اقدامات حمایتی، مواجه نمی‌شود. اما نکته‌ای که در ماده مذکور پیش‌بینی نگردیده، عدم افشای هویت شاهد نسبت به متهم است.^{۳۱}
- بر طبق ماده ۸۷ قواعد دادرسی، دادگاه می‌تواند بنا به تشخیص خود یا درخواست متهم یا دادستان و یا شاهد، دستور برقراری اقدامات حمایتی را صادر کند. این اقدامات که در بند ۳ پیش‌بینی شده است، می‌تواند شامل برگزاری غیرعلنی بخشی از دادرسی، اجازه ادای شهادت از طریق وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل خاص از جمله وسایل تغییر صدا و تصویر، ویدئو کنفرانس و تلویزیون مدار بسته، استفاده از نام‌های مستعار و حذف اطلاعات راجع به هویت شهود از اسناد عمومی دادگاه شود. بنابراین دادگاه می‌تواند اقدامات دیگری را با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده، مدنظر قرار دهد. ماده ۸۷ از مواد ۶۸ و ۶۹ اساسنامه، نشأت گرفته است و به همین دلیل دادگاه باید مراقبت نماید که اقدامات مذکور، منافاتی با حقوق متهم نداشته باشد.

طبق بند ۲ ماده ۸۷ قواعد دادرسی دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی، درخواست برقراری اقدامات حمایتی نمی‌تواند توسط یکی از طرفین و بدون اطلاع طرف دیگر انجام شود. بدین ترتیب، تفاوت ماده ۸۷ قواعد دادرسی با ماده ۸۸ این است که ماده ۸۸ راجع به اقدامات ویژه است. در حالی که ماده ۸۷ در زمینه اقدامات حمایتی است. به همین دلیل، دادگاه با در نظر گرفتن وضعیت شهود می‌تواند به استناد ماده ۸۷ مبادرت به تشکیل جلساتی با حضور طرفین دادرسی کند و با استناد به ماده ۸۸ صرفاً با حضور یکی از طرفین، تشکیل جلسه دهد. بنابراین هر فردی اعم از دادستان یا متهم یا شاهد که این درخواست را طبق ماده ۸۷ مطرح می‌کند باید طرف دیگر را در جریان قرار دهد تا او بتواند نظرات خود را در دادگاه، مطرح سازد.

۳۰. لوک والین، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، ترجمه توکل حبیب زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی بین‌الملل ۳۴ (۱۳۸۵)، ۵۲.

۳۱. علیرضا تقی پور، «محدودیت‌های حق پرسش متهم از شاهد در قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، مجله فقه و حقوق اسلامی، ۲ (۱۳۹۰)، ۳۳.

استفاده از ابزارهایی همچون تلویزیون مدار بسته و یا وسایل تغییر صدا و تصویر، بدین دلیل در نظر گرفته شده است که شاهد را از حرکات تهدیدآمیز متهم و یا شوک مجدد نامبرده با مشاهده متهمی که ادعا می‌شود مرتکب جرائمی گردیده است، محافظت کند. اما واقعیت آن است که عدم حضور شاهد در صحن اصلی دادگاه، احتمال بیان حقیقت از سوی نامبرده را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، احتمال عدم بیان حقیقت در مواقعی که شاهد از مکان دیگری مبادرت به ادای شهادت می‌کند، به دلیل آن که تحت تأثیر فضای دادگاه قرار ندارد، به مراتب بیشتر است. همچنین وسایل تغییر صدا و تصویر، از جمله مواردی به شمار می‌روند که می‌توانند توانایی متهم، به انجام پرسش از شاهد را به نحو قابل توجهی کاهش دهند، زیرا طرز بیان و لحن صدای شاهد معمولاً در هنگام ادای شهادت تغییر می‌کند.

و در نهایت اینکه یکی از تضمینات عدم تکرار جرم نسبت به بزه‌دیده، تحقیق وقایع، افشای کامل و علنی حقایق به نحوی است که چنین افشایی موجب صدمه غیر ضروری بیشتر یا تهدید علیه سلامت بزه‌دیده، شهود یا دیگران نگردد.

2-3-4- رعایت کرامت و ارزش انسانی بزه‌دیده

این حق در کلیه مراحل دادرسی بایستی مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر اصل تشکیل دیوان و مقررات مربوط به صلاحیت و رسیدگی آن، همگی در جهت حرمت‌گذاری به کرامت انسانی است. از جمله مواد مصرح می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف: بند (ج) پاراگراف (۱) ماده ۵۴ اساسنامه که در آن از وظایف داستان من جمله احترام به حقوق اشخاص نام برده است که شامل متهم و بزه‌دیده می‌باشد.

ب: پاراگراف (۲) ماده ۶۴ انجام محاکمه توسط شعبه بدوی را با توجه شایسته حمایت از بزه دیدگان و شهود ممکن دانسته است.

ج: پاراگراف (۱) ماده ۶۸ اساسنامه، رعایت منزلت بزه‌دیده را در دیوان ضروری شناخته است.

د: پشتیبانی از قربانیان جرم از طریق حمایت کافی و تنظیم طرح‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت حمایتی که در بند (الف) پاراگراف (۲) قاعده ۱۷ مورد اشاره قرار گرفته است.

ه: بند (ج) پاراگراف (۲) قاعده ۷۳، به رسمیت شناختن حریم خصوصی افراد در مواردی که شعبه دیوان در خصوص افشای اظهارات و اطلاعات محرمانه تصمیم می‌گیرد را گوشزد کرده است.

2-3-5- حق داشتن نماینده

مطابق بند (ج) پاراگراف (۲) ماده ۵۵ برخورداری از معاضدت قضایی از حقوق اشخاص اعم از متهم و بزه‌دیده در طول دادرسی شناخته شده است. با عنایت به واقعیت حضور بزه دیدگان و شهود در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، در نظر گرفتن مرجعی که بتواند نقشی همانند وکیل برای بزه دیدگان بازی کند، ضروری است. مطابق پاراگراف (۳) ماده ۶۸ اساسنامه دیوان، نظرات و دغدغه‌های بزه دیدگان می‌تواند توسط نمایندگان حقوقی آنان ارائه شود. البته این مهم در صورتی رخ می‌دهد که دیوان بر اساس قواعد دادرسی و ادله چنین امری را مناسب تشخیص دهد. مطابق پاراگراف (۵) قاعده ۹۰، در صورتی که بزه‌دیده یا بزه دیدگان، فاقد امکانات کافی برای پرداخت هزینه قانونی مشترک انتخاب شده به وسیله دیوان باشند می‌توانند از مساعدت دبیرخانه از جمله کمک مالی (در صورت اقتضا) برخوردار شوند. همچنین لازم به ذکر است که قاعده ۹۳ اخذ دیدگاه‌های بزه دیدگان شرکت‌کننده در دادرسی و نمایندگان قانونی آنان را در مورد هر مسئله‌ای از اختیارات شعبه بدوی قرار داده است.

2-4- حقوق بزه دیدگان در مرحله صدور و اجرای حکم

حقوق بزه‌دیده در این مرحله و مرحله بعد از آن (اجرای حکم) نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر صدور حکم، نتیجه دادرسی است و لذا از اهمیت بالایی برخوردار است. تمهیداتی که اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله دیوان و آیین‌نامه‌های مربوطه، به نفع بزه‌دیده لحاظ کرده است عبارتند از:

2-4-1- توجه به وضعیت بزه‌دیده در اثبات جرم

گفته شده که "فجایع جنسی که در جنگ‌های داخلی یوگسلاوی سابق و رواندا صورت گرفت، آثار سوء و گاه غیر قابل جبران بی‌شمار ناشی از این جرائم را بر روح و روان بزه دیدگان روا داشت و علت توجه خاص اسناد دادگاه کیفری بین‌المللی به این‌گونه جرائم نیز بوده است. در واقع دیوان بین‌المللی کیفری بسیاری از دیدگاه‌های خود را از دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا اخذ نموده و از تجربیات این دو دادگاه برای تکمیل قوانین خود استفاده کرده است"^{۳۲}. اساسنامه دیوان در موارد مختلف با اشاره به گروه‌های خاص که نیاز به حمایت بیشتری دارند، به قربانیان خشونت‌های جنسی در کنار کودکان و سالمندان اشاره کرده است. از جمله این موارد می‌توان به قاعده ۷۰، اصول راهبردی در مورد خشونت جنسی اشاره کرد.

2-4-2- جبران خسارات بزه‌دیده (صدور حکم و ارزیابی خسارت)

ترمیم خسارات ناشی از جرم در کنار مجازات متهم، باید حین صدور رأی مورد نظر قرار گیرد. همچنین به مسئولیت دولت‌ها به عنوان عضو جامعه بین‌المللی در ترمیم خسارت بزه‌دیده باید توجه شود. ماده ۷۵ اساسنامه دیوان تحت عنوان "پرداخت خسارت به قربانیان" به نحوه گنجاندن این الزام در حکم و نقش بزه‌دیده در این خصوص، توجه کرده است. همچنین دولت‌های عضو مکلف به ترتیب اثر دادن نسبت به تصمیمات متخذه در این ماده در خصوص جبران خسارت بزه دیدگان شده‌اند و نکته مهم‌تر اینکه این ماده نباید با حقوق بزه دیدگان که در حقوق داخلی یا اسناد بین‌المللی قید شده است، منافات داشته باشد. نحوه ارائه درخواست توسط بزه‌دیده در قاعده ۹۴ آیین دادرسی و ادله ذکر شده است. همچنین مواردی که دیوان بر اساس شرایط خاص، خود تمایل به پیگیری موضوع جبران خسارت دارد، در قاعده ۹۵ ذکر شده است. از سوی دیگر لازم به ذکر است که تعیین میزان خسارت ناشی از جرم، مقدمه حکم به جبران خسارت است. در همین راستا قاعده ۹۷، قواعد دادرسی و ادله، با عنوان ارزیابی غرامت‌ها، بدون توجه به نوع صدمه، تقویم آن را مدنظر قرار داده است. قواعد دیوان به بزه‌دیده اجازه می‌دهد در خصوص نوع جبران که می‌تواند اعاده وضع به حال سابق، یا سایر اشکال جبران خسارت باشد، اظهارنظر کند. و در نهایت اینکه بند (۲) ماده ۷۵ صدور قرار نحوه جبران خسارت را علیه محکوم‌علیه ممکن دانسته است. "اگرچه دیوان در صورت اقتضا می‌تواند دستور دهد که پرداخت‌های مربوط به غرامت از طریق صندوق امانی صورت گیرد"^{۳۳}.

جبران خسارت بزه‌دیده به طور کامل در اسناد دادگاه بین‌المللی کیفری لحاظ نشده است. ماده‌ی ۲۴ اساسنامه در پاراگراف سوم، صدور حکم به جبران خسارت قربانیان جرم را صرفاً از طریق استرداد اموال یا منافی که از طریق عمل مجرمانه تحصیل شده است، به صاحبان آن‌ها، امکان‌پذیر دانسته است. این پاراگراف با کلمه "می‌توانند" شعب بدوی را مختار به این تدبیر نموده است، اما بند "ب" قاعده ۸۸ با کلمه "باید" شعبه را مکلف نموده است که بر اساس قاعده ۱۰۵ دستور استرداد اموالی را که توسط متهم به طور غیرقانونی برده شده یا با شراکت و معاونت او اخذ شده است، صادر کند.

اساسنامه دیوان در بند (ه) پاراگراف (۳) ماده ۵۷، امکان تأمین اموال متهم را در نظر گرفته است. مطابق این بخش، در صورتی که مجوز دستگیری یا احضاریه‌ای مطابق ماده ۵۸ صادر شود، با توجه به اعتبار ادله و حقوق طرفین دعوی به نحو مقرر در این اساسنامه و آیین دادرسی ادله، همکاری دولت‌ها را برای انجام اقدام‌های تأمینی به منظور ضبط اموال به ویژه حفظ منافع نهایی بزه دیدگان، بر اساس بند (ی) پاراگراف اول ماده ۹۳، طلب می‌نماید.

همچنین لازم به ذکر است که "اساسنامه دیوان، توسل به دادگاه ملی یا دیگر مراجع صلاحیت‌دار را برای صدور حکم به جبران خسارت ضروری نمی‌داند؛ ترمیم خسارات ناشی از جرم در کنار مجازات متهم، باید هنگام صدور رأی موردنظر قرار گیرد"^{۳۴}. بدین منظور ماده ۷۵ اساسنامه دیوان، تحت عنوان "پرداخت خسارت به قربانیان" به نحوه گنجاندن این الزام در

32. Obando, Ana Elena, The International Criminal Court: An Opportunity for Women, Women's Human Rights Net (August, 2004). http://www.whrnet.org/docs/issue-international_court.html, last visit 2020.

۳۳. لیلا سادات اسدی، حقوق بزه دیده در دادرسی های کیفری بین المللی، (تهران: انتشارات سمت و دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۹۲)، ۲۶۸.

۳۴. لیلا سادات اسدی، «جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی های کیفری بین المللی»، مجله حقوقی دادگستری ۶۸ (۱۳۸۸)، ۷۵.

حکم و نقش بزه دیدگان در این خصوص، توجه کرده است. به نظر برخی حقوقدانان " این ماده پیشرفت فوق‌العاده‌ای محسوب می‌شود زیرا نه فقط جبران خسارت مادی بلکه اعاده‌ی وضع به حال سابق و اعاده‌ی حیثیت را پیش‌بینی می‌کند"^{۳۵}. همچنین محکومیت مرتکب به جبران خسارت بزه‌دیده جرم، صرفاً منوط به درخواست بزه‌دیده نیست، دیوان نیز می‌تواند رأساً به این امر اقدام کند، هرچند چنین اقدامی از سوی دیوان، منوط به وجود شرایط خاص است.

"چنین اختیاری در نخستین پرونده دیوان یعنی پرونده "لوبانگو" در مورد وضعیت کنگو، توسط دادرسان شعبه دادرسی اعمال شد. توماس لوبانگو دی‌یلو رهبر یکی از گروه‌های شبه نظامی مخالف دولت کنگو، در سال ۲۰۱۲ میلادی به ارتکاب جرم جنگی به کار گرفتن کودک سرباز در محاصره، مجرم شناخته و به ۱۴ سال حبس محکوم شد. شعبه دادرسی رسیدگی‌کننده به پرونده لوبانگو، در رای محکومیت خود با ملزم ساختن محکوم‌علیه به جبران خسارت قربانیان به صورت جمعی، اصول جبران خسارت را در ۲۵ بند تشریح نمود.

۱. جبران خسارت بزه دیدگان در راستای تکمیل وجه تنبیهی عدالت کیفری با اعمال بزه‌دیده مداری است. در واقع دیوان تأکید می‌کند که عدالت کیفری علاوه بر عطف توجه به بزه‌کار و مجازات وی، می‌بایست حمایت از بزه‌دیده را نیز در کانون توجه قرار دهد.

۲. برنامه جبران خسارت بخشی از کارکرد دیوان است و موفقیت دیوان در پرتو توفیق در اجرای جبران خسارت نیز می‌بایست سنجیده و ارزیابی شود.

۳. جبران خسارتی که از مجرای دیوان حاصل می‌گردد مانعی در مسیر بهره‌مندی از جبران خسارت‌های دیگری که در سطح و نظام ملی برای قربانیان مقرر می‌شود نخواهد بود.

۴. بزه‌دیده بر دو قسم بزه‌دیده مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد. «بزه‌دیده غیر مستقیم» علاوه بر خانواده قربانی مستقیم، عبارتند از هر فردی که تلاش نموده است تا از ارتکاب جرم واقع شده جلوگیری نماید، افرادی که هنگام کمک‌رسانی به قربانی متضرر شده‌اند.

در بزه‌دیده غیر مستقیم وجود «رابطه شخصی» میان بزه‌دیده مستقیم و غیر مستقیم شرط لازم است.

۵. در تعیین مصادیق خانواده قربانی، تفاوت‌های فرهنگی و ساختارهای اجتماعی جوامع مختلف لحاظ می‌شود لیکن فرزندان و همسر بی‌شک داخل در این عنوان هستند.

۶. اشخاص حقوقی نیز می‌توانند مشمول عنوان بزه‌دیده مستحق جبران خسارت واقع شوند مانند سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه‌ها.

۷. «ضرر» موضوع جبران خسارت می‌بایست شخصی باشد و بر سه قسم است: مادی، جسمی و روانی.

۸. میان «ضرر» وارده و «جرم» ارتکاب یافته می‌بایست رابطه سببیت جاری باشد.

۹. برابری در رسیدگی و برخورد می‌بایست در جبران خسارت بزه دیدگان حاکم باشد آن هم با رعایت ملاحظات انسانی و مراعات کرامت انسانی قربانیان. بنابراین حفظ آسایش و حریم خصوصی ایشان ضروری است.

۱۰. فرایند جبران خسارت به بزه دیدگی ثانویه و در معرض فشار واقع شدن و برچسب خوردن نمی‌بایست بیانجامد.

۱۱. در جبران خسارت برابری جنسیتی به عنوان یک اصل می‌بایست لحاظ گردد.

۱۲. جبران خسارت اثر مترتب بر مسئولیت کیفری‌ای است که به وسیله حکم محکومیت اثبات می‌گردد و همچنین مجرمیتی که در پرتو مجازات تحمیل شده احراز می‌شود.

۱۳. میان میزان جبران خسارت و میزان خسارت وارده از یک سو و میزان مشارکت محکوم علیه در تحقق آن جرم و ضرر می‌بایست تناسب برقرار باشد.

۱۴. احراز رابطه سببیت میان ضرر و جرم، احراز مسئولیت کیفری و مجرمیت نیست و بنابراین معیار اثباتی آن پایین‌تر از

آستانه اثباتی مجرمیت است.

پایین بودن آستانه اثبات ایراد ضرر و رابطه سببیت با رفتار مجرمانه نیز با هدف حمایت از بزه دیدگان می‌باشد چرا که بزه دیدگان عموماً در وضعیتی نیستند که به ادله مثبت مکفی برای اثبات مدعای خود دسترسی داشته باشند. توازن احتمالات همان آستانه و معیار اثباتی برای احراز رابطه سببی در اینجا می‌باشد که نه موجب یقین و زدودن تردیدها بلکه موجب ایجاد ظن و تمایل به یک احتمال از میان احتمالات مختلف می‌شود.

۱۵. در ارتباط با کودک سربازان و قربانیان کودک، وضعیت خاص و نیازهای ایشان می‌بایست لحاظ گردد. مهم‌ترین این نیازها لزوم تلاش برای هموار کردن مسیر بازگشت ایشان به جامعه و توانمندسازی برای این برگشت است. سرباز کودکان برای زندگی مسئولانه در یک جامعه آزاد کمک داده شوند.

۱۶. تمامی بزه دیدگان دارای این حق هستند که به صورت داوطلبانه در فرایند جبران خسارت مشارکت کنند و نظرات خود را به سمع و نظر دیوان برسانند.

۱۷. جبران خسارت به صورت فردی و یا جمعی می‌تواند واقع شود. در مورد لوبانگو به صورت خاص، نظر دیوان بر جبران خسارت جمعی بزه دیدگان قرار گرفته است.

۱۸. جبران خسارت مصادیق پرشماری را در برمی‌گیرد و حصری نمی‌باشد مانند پرداخت غرامت و ترمیم و اعاده وضعیت قربانی و یا سایر اعمال نمادین مانند عذرخواهی.

۱۹. اعاده وضعیت بزه‌دیده مصادیق زیادی را شامل می‌شود مانند تداوم تحصیل، بازگشت به خانواده، تأمین مسکن و شغل پیشین و بازگرداندن اموال.

۲۰. غرامت درجایی پرداخت می‌شود که خسارت اقتصادی وارده قابل شمارش و تبدیل به پول باشد و همچنین مناسب و متناسب باشد با لحاظ وجود منابع تأمین آن. درجایی نیز که ضرر وارده در قالب مالی قابل تعریف نیست، پرداخت غرامت می‌تواند به عنوان یک التیام قلمداد شود. مانند جایی که با اضرار جسمانی به فرد قابلیت فرزند آوری وی سلب شده است و یا در موارد اضرار عاطفی و احساسی و یا از دست دادن فرصت‌های شغلی و تحصیلی.

۲۱. توان بخشی قربانیان نیز از موارد جبران خسارت است که شامل خدمات پزشکی و روان‌پزشکی و مراقبت‌های مرتبط با آن می‌باشد.

۲۲. جبران خسارت می‌بایست با هدف کلی جامعه‌پذیر کردن قربانی و ایجاد آشتی میان جامعه و وی صورت پذیرد.

۲۳. یکی از انواع جبران خسارت می‌تواند انتشار گسترده حکم محکومیت محکوم علیه باشد.

۲۴. فرایند جبران خسارت می‌بایست در یک بازه زمانی استمرار داشته باشد بنابراین پرداخت غرامت به عنوان نمونه یکجا نمی‌بایست صورت پذیرد بلکه در دوره‌های مختلف و به تناوب می‌بایست محقق شود.

۲۵. برخی از انواع ضرر عبارتند از: جراحات فیزیکی، اختلالات روانی مانند افسردگی و تمایل به خودکشی، اختلال در تحصیل، جدا شدن از خانواده، در معرض ترس و خشونت واقع شدن، اختلال در فرایند اجتماعی شدن، آلام روانی ناشی از دست دادن عضو خانواده، محرومیت‌های مادی که منتهی به از دست دادن کمک‌رسانی به خانواده می‌شود.^{۳۴}

2-4-3- حق بزه‌دیده بر اعتراض به حکم (تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی)

مطابق ماده ۸۱ اساسنامه، حق تجدیدنظر به ۲ شیوه صرفاً به دادستان و محکوم علیه اختصاص داده شده و برای بزه‌دیده حقی در اعتراض به حکم قائل نشده است. اما بر اساس ماده ۷۵ مربوط به پرداخت خسارت به بزه‌دیده جرم و قرار صادره بر اساس آن، بزه‌دیده یا محکوم علیه می‌توانند از تصمیم متخذ، تقاضای تجدیدنظر کنند.

همچنین مطابق ماده ۸۴ اساسنامه حق اعاده دادرسی صرفاً به محکوم علیه یا پس از فوت او، همسر، فرزندان، والدین یا

شخصی که در موقع فوت او حاضر بوده و متوفی صریحاً و کتباً به وی وصیت به انجام چنین درخواستی نموده باشد، یا دادستان به نیابت از وی، داده شده است و برای بزه‌دیده در این مورد هیچ حقی دیده نشده است. البته لازم به ذکر است که این محرومیت بر اساس اصول پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی دنیاست. هر چند که حق حضور بزه‌دیده در جلسه مربوط به رسیدگی به این ادعا منع نشده و بلامانع است.

3- چالش‌های حمایت از حقوق بزه دیدگان در دیوان کیفری بین‌المللی

فعالیت‌های دیوان از زمان آغاز به کار و در طی این چند سال حکایت از چالش‌هایی دارد که این مرجع بین‌المللی در حوزه برآورد ساختن حقوق بزه دیدگان با آن روبرو شده است.^{۳۷} در ادامه سعی بر آن خواهد بود تا این چالش‌ها و ابهامات تحلیل و بررسی شوند. یادآوری مهم: این چالش‌ها صرف نظر از یکی از چالش‌های اصلی و ساختاری یعنی منع و تحدید در رسیدگی غیابی موضوع اصلی رساله می باشد مورد بحثی مختصر قرار می گیرد.

3-1-1- اختیار گسترده دیوان در جواز مشارکت بزه دیدگان

حق مشارکت و حضور در فرآیندهای دادرسی از جمله حقوق اساسی بزه‌دیده در گفتمان مدرن عدالت کیفری به شمار می رود. این حق در اساسنامه و سایر اسناد دیوان با چالش‌هایی مهم روبروست. بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه، ابتدا شرط تعرض به منافع و مصالح را برای اعطای جواز ارائه و بیان نظرات و نگرانی‌ها از سوی بزه‌دیده مطرح می کند. سپس همین شرط کلی مقید به صلاحدید دیوان شده و این صلاحدید مبتنی بر عدم تعرض و تنافی با حقوق متهم^{۳۸} و عدم تعرض با محاکمه بی طرفانه و منصفانه می گردد. اساسنامه به این قیود بسنده نکرده و ذیل بند ۳ ماده ۶۸ در جایی که مقرر گردیده نماینده حقوقی جانشین بزه‌دیده شود تشخیص مناسب بودن امر توسط دیوان را شرط کرده است. مفاد بند فرعی ۳ از قواعد دادرسی دیوان نیز قواعدی که دیوان را در چارچوبی برای اعمال حق صوابدید خود قرار دهد دربرندارد و اختیار مطلق دیوان دچار تعدیل و تخصیصی نمی شود. برای قربانی که درخواستش مردود شود حق اعتراض در نظر گرفته نشده و منحصرأ ذیل بند ۲ قاعده ۸۹ حق درخواست مجدد برای او پیش بینی شده است. اختیار مطلق دیوان در این قضیه را شاید بتوان در اظهاری بی پرده نخوت و غرور دیوان در برابر بزه دیدگان خواند. زیرا این که در عباراتی کلی بتوان التجاء و درخواست بزه‌دیده ای را برای استماع فریاد دادخواهی رد کرد، معنایی جز این ندارد که نظم جاری جلسات و جلوگیری از ازدحام و زحمت قضات بر کارکرد واقعی دیوان ترجیح داده شده است. بند ۴ قاعده ۸۹ از قواعد دادرسی نوعی دیگر از نگاه نه چندان حمایت گرانه دیوان به بزه دیدگان را جلوه گر است. جایی که به دستمایه تاملین موثر بودن جلسه رسیدگی رسیدگی فله ای و جمعی درخواست‌ها برای حضور را تجویز می نماید. به طور کلی نگاه اساسنامه به بزه دیدگان به صورت یک کل و یک جامعه همگن از مجنی علیهم است. شاید این نوع برخورد با ماهیت جنایات تحت صلاحیت دیوان که گاه، ده‌ها هزار بزه‌دیده را در

۳۷. ندا نیازمند، مهرداد رایجیان اصلی و محمدمهدی ساقیان، چالش‌های مترتب بر حق‌های بزه دیده در دیوان جنایی بین‌المللی، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۱، (۱۳۹۸)، ۲۳۹.

۳۸. در این زمینه استاد رضوی فرد در مقاله وزین "تکامل حقوق بزه دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی" فرازی دیگر از ترجیح

و تقدم بزه‌کار بر بزه دیده در اساسنامه دیوان را مورد توجه قرار می دهند: "ماده ۶۴ اساسنامه در مقام بیان عملکردها و اختیارات شعبه بدوی، احترام کامل به حقوق متهم را مقدم بر توجه به حفاظت از بزه دیدگان و شهود دانسته است. نتیجه بدیهی که از این ماده برمی آید این است که علی رغم تمامی نوآوری‌ها و توجهات منطبق با معیارهای مدرن حقوق بشری به بزه دیدگان در دیوان، باز هم حقوق متهم در اولویت قرار گرفته است. در همین راستا خاطر نشان می سازیم « این ماده اساساً مشابه با متن ارائه شده در پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در ۱۹۹۴ است ». لذا این موضوع نشان دهنده آن است که تمامی مباحث مطرح درخصوص بزه دیدگان در کنفرانس رم، نتوانسته حقوق این اشخاص را بر حقوق متهم مقدم دارد. ماده ۶۴ همچنین به شعبه بدوی اختیار می دهد به منظور حفاظت از متهم، شهود و بزه دیدگان، تمهیداتی بیندیشد. در این مورد

نیز ماده ۶۴ ابتدا به حفاظت از متهم اشاره کرده است."

برابر خود دارد از نگاه عمل گرایانه قابل توجیه باشد، اما از حیث "دادرسی عادلانه بزه‌دیده محور" این موضوع یک نقص مهم به شمار می‌رود. دیوان می‌توانست با ابتکارات مدرنی این نقیصه را تا حد امکان برطرف نماید.

3-2- احاله جبران خسارت به قواعد کلی

موضوع اعطای اختیار مطلق به دیوان در نبود رویه‌های پر تکرار در موارد دیگری نیز ظرفیت خدشه بر حقوق بزه‌دیدگان را خواهد داشت. در موضوع جبران خسارت، بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه عملاً معلق به ممتنع شده است. "بند ۱ ماده ۷۵ شدیداً مبهم است و معنای آن عمدتاً بستگی به تفسیر [قضایی] دیوان خواهد داشت. معنای این که دیوان قواعد کلی برای جبران خسارت مقرر خواهد کرد، چیست؟ مشخص نشده که آیا دیوان [در این جا] به معنای شعبه رسیدگی کننده در حدود صلاحیت قضایی خود است یا خود دیوان به طور کلی و به عنوان یک ارگان اداری که گونه‌ای از رهنمودهای اجرایی را برای جبران خسارت تصویب می‌کند. تا کنون هیچ‌گونه «قواعد کلی» در این خصوص تصویب نشده است. در سال‌های اولیه شروع به کار دیوان، کمیته‌ای متشکل از قضات بر روی تهیه پیش‌نویس قواعد کلی کار کردند، اما این پروژه [نیمه‌کاره] رها شد. به نظر آن قضات بهتر بود که این مسأله به شعب بدوی واگذار شود تا قواعد لازم را در مواقع لزوم و هنگام اتخاذ تصمیم در فرایند جبران خسارت توشیح کنند."^{۳۹}

3-3- ابهام در افراد مرتبط و خویشاوند بزه‌دیده

از ویژگی‌های مقررات استاندارد تعیین همه احتمالات و فروع یک اصل و عدم احاله آن به ابهام است. زیرا چنین ابهامی به تاخیر و چه بسا امتناع عملی احقاق حق خواهد انجامید. اساسنامه تقسیم بندی تقریباً جا افتاده و مقبول بزه‌دیدگان به مستقیم و غیر مستقیم را بر هم زده و شاید به قصد تعریف و رفع ابهام از واژه "غیر مستقیم" ابهاماتی و خیم تر بر آن افزوده است. ماده ۷۹ اساسنامه در خصوص صندوق امانی بزه‌دیدگان از خانواده بزه‌دیده نام برده است. "بدین ترتیب این ابهام حاصل می‌شود که آیا خانواده شخصی که بزه‌دیده مستقیم واقع می‌شود، همان بزه‌دیده غیر مستقیم محسوب می‌شود یا خیر؟ از طرف دیگر، استعمال این دو عبارت در کنار یکدیگر، با تفسیری که از گستره بزه‌دیده غیر مستقیم به اشخاصی غیر از خانواده بزه‌دیده به عمل می‌آید، می‌تواند ایجاد مناقشه کند که آیا اصولاً اطرافیان بزه‌دیده مستقیم که به نحوی دیگر جرم علیه آن‌ها صورت پذیرفته و سطحی از آسیب را تجربه کرده‌اند نیز در دایره بزه‌دیدگان غیر مستقیم قرار می‌گیرند یا خیر؟"^{۴۰} از آن گذشته با چنین رویکردی در اساسنامه دیوان باید برای تشخیص و احراز خویشاوندی به مقررات داخلی و احوال شخصیه مراجعه کند. امری که آشکارا می‌تواند به تبعیض و تشتت منتهی شود.^{۴۱}

3-4- ابهام در مفهوم آسیب

مفهوم آسیب در بند الف قاعده ۸۵ از مجموعه قواعد دادرسی دیوان بسیار کلی بیان شده است. این امر اختیارات گسترده‌ای به قضات بخشیده تا مفهوم آسیب را به زعم خود تفسیر نمایند. در پرونده دادستان علیه توماس لوبانگو دایلو مناقشات جدی در خصوص مفهوم آسیب شکل گرفت. نهایتاً شعبه تجدید نظر برای تعیین مفهوم آسیب به قطعنامه ۱۹۸۵ ملل متحد (مشروح در صفحات پیشین این رساله) برای رفع معضل استناد نمود. استناد به متنی غیرالزام آور و اگرچه دارای اهمیت برای صدور رای در یک مرجع عالی قضایی امری نیست که بتوان آن را قابل قبول دانست و چنین روشی که قضات ناچاراً به کار می‌گیرند به صدور آراء متقن منتهی نمی‌شود.

39. Schabas, William A., *The International Criminal Court, A Commentary on the Rome Statute*, Commentaries on International Law, Oxford University Press, UK, first published 2010, p.881.

به نقل از بهزاد رضوی فرد و حسن فقیه محمدی، پیشین، ۲۱۸.

۴۰. ندا نیازمند، مهرداد رایجیان اصلی و محمدمهدی ساقیان، پیشین، ۲۴۶-۲۴۷.

۴۱. بهزاد رضوی فرد و حسن فقیه محمدی، پیشین، ۲۱۸.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با تمرکز بر موضوع بزه دیدگان به عنوان یک سوی پدیده مجرمانه به جایگاه تاریخی، جایگاه در مکاتب حقوقی و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل کیفری پرداخته شد.

ایجاد پدیده علمی جدیدی تحت عنوان بزه‌دیده شناسی به عنوان یک جنبش مهم و تحول عمیق در عرصه جرم‌شناسی سنتی شناسایی و رویکردهای مختلف آن را بر شمرده شد.

حقوق بزه‌دیده در اسلام و ایران مورد تحلیل قرار گرفت و از حلف الفضول تا منشور کوروش ردپاهای حمایت از بزه‌دیده دنبال شد.

عبور از مثلث سنتی جرم، مجرم و مجازات و اضافه شدن ضلع بزه‌دیده و حمایت از این عنصر تشریح گردید. آن‌گاه آثار این تحول بینشی بر نظام کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت.

تحلیلی که آغازی نه چندان پر امید داشت، تا تاسیس دیوان بین‌المللی کیفری بی‌اعتنایی عمیقی نسبت به بزه دیدگان در نظام بین‌المللی مشهود بود که اگر چه با اقتران به دوران معاصر از ژرفنای آن کاسته شد اما این تحول نمی‌توانست هم‌پای تحولات علمی و انقلاب گونه در عرصه‌های نظری و حقوق داخلی ارزیابی شود. اسناد موسس، آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی دادگستری در تناسب با حقوق بزه دیدگان مورد ارزیابی قرار گرفت. در این قضاوت و سنجش با لحاظ آن که دیوان بین‌المللی کیفری تقریباً نخستین نهاد کیفری بین‌المللی بوده که بزه دیدگان را به عنوان بخشی از فرآیند دادرسی به رسمیت شناخته است و در این عرصه نوپا و پیشرو محسوب می‌شود نقدهای مفصلی به کارکرد دیوان در حوزه بزه‌دیده مداری وارد شد.

زیرا با وصف آن که در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری تجربه اجرایی نسبت به رفتار با بزه دیدگان وجود نداشت اما دیوان می‌توانست با به‌کارگیری بیشتر هنجارهای پذیرفته شده جهانی در خصوص حقوق بزه دیدگان با قدرت بیشتری گرد فراموشی از رخسار بزه دیدگان جنایات بین‌المللی بزدايد. اما دیوان بین‌المللی دستاورد مهم دهه پایانی قرن بیستم ترجیح داد بیش از این بار و مسئولیت تحقق آرمان‌های عدالت جهانی را بر خود تحمیل نکند و به همین میزان از تحول بسنده نماید.

منابع و مأخذ

ابراهیمی، پیمان. «بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران». مجله حقوقی دادگستری ۵۲ و ۵۳ (۱۳۸۴).

اسدی، لیلا سادات. «جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی». مجله حقوقی دادگستری ۶۸ (۱۳۸۸).
اسدی، لیلا سادات. حقوق بزه دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی. تهران، انتشارات سمت و دانشگاه امام صادق (ع)؛ چاپ دوم ۱۳۹۲.

باقری نژاد، زینب. اصول آیین دادرسی کیفری، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴.

تقی پور، علیرضا. «محدودیت‌های حق پرسش متهم از شاهد در قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». مجله فقه و حقوق اسلامی ۲ (۱۳۹۰).

حاجی ده‌آبادی، احمد. جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی. تهران: سازمان انتشارات، ۱۳۸۸.

رایجیان اصلی، مهرداد. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. چاپ دوم، تهران: دادگستر، ۱۳۹۰.

رضوی فرد، بهزاد، فقیه محمدی، حسن. «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی».

مجله حقوقی بین‌المللی. نشریه مرکز امور حقوقی ریاست جمهوری ۴۵ (۱۳۹۰).

زمانی، سید قاسم و سید ابراهیم حسینی. «مفهوم قربانی در حقوق بین‌المللی کیفری». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۹ (۱۳۹۶).

فلچر، جرج. «جایگاه بزه دیدگان در نظریه سزادهی». ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله حقوقی دادگستری ۶۲ و ۶۳.

(۱۳۸۷).

شیایزری، گیتی و کریانگ ساک. حقوق بین‌المللی کیفری. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.

لعل علیزاده، محسن. «بررسی تطبیقی حقوق بزه دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی»؛ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۱۹ (۱۳۹۶).

نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین. «رویکرد جرم‌شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی». مجله تعالی حقوق ۱۳ و ۱۴ (۱۳۸۶).

نژندی منش، هیبت‌الله و شهریار آموزگار. «شهریار؛ جایگاه بزه دیده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». فصلنامه قضاوت ۹۱ (۱۳۹۶).

نیازمند، ندا، مهرداد رایجیان اصلی و محمد مهدی ساقیان. «چالش‌های مترتب بر حق‌های بزه دیده در دیوان جنایی بین‌المللی». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۱ (۱۳۹۸).

والین، لوک. «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان». ترجمه توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری. مجله حقوقی بین‌الملل ۳۴ (۱۳۸۵).

Cohen, Miriam ; Victim's Participation Rights within the International Criminal Court: A Critical Overview ; Denver Journal of International Law & Policy ,Vol. 37:3 ; 2009.

Findlay, Mark and Mclean, Clare. Emerging International Criminal Justice, Current Issues in Criminal Justice. 18, (3) , 2007.

Helen Brady, 'Disclosure of Evidence', in Elements and Rules, Criminal Court: The Search and Seizure Right to Privacy' the Yale journal of International Law ,NO,26 , 2001.

Juan Carlos Ochoa S. ; The ICC's Pre-Trial Chamber I Confirmation of Charges Decision in the Case of Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo: Between Application and Development of International Criminal Law ; European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice 16 , 2008.

Moffett, Luke ; Realising Justice for Victims before the International Criminal Court ; ICD Brief 6 September 2014.

Obando, Ana Elena, The International Criminal Court: An Opportunity for Women, Women's Human Rights Net (August, 2004). http://www.whrnet.org/docs/issue-international_court.html , last visit 2020.

Schabas, William A., *The International Criminal Court, A Commentary on the Rome Statute*, Commentaries on International Law, Oxford University Press, UK, first published 2010, p.881.

Asadi. Leilasadat, Compensation for Crime in International Criminal Procedures, Judiciary's Law Journal, Vol. 68, 2009.

Asadi. Leilasadat, Victim's Rights in International Criminal Procedures, Tehran, Samt Publications and Imam Sadegh University, Second edition, 2013.

Bagherinejad. Zeinab., Principles of Criminal Procedure, Tehran, Khorsandi, 2015.

Ebrahimi, Peyman., Victim as complaint in the Criminal Procedure of Iran, Judiciary's Law Journal, Vols. 52-53, 2005.

Fletcher. George P., The Place of Victims in the Theory of Retribution, Translated by Mehrdad Reyejian, Judiciary's Law Journal, Vols 62-63, 2008

Hajidehabadi. Ahmad., Reparation for Victim by State and Public Institutions, Publishing Organization of Institute for Islamic Culture and Thought, 2009.

- Kriangsak Kittichaisaree and..., *International Criminal Law*, Translated by Behnal Yousefiyan and Mohammad Esmaily, Tehran, Samt Publications, 2003
- Laal Alizadeh. Mohsen., *A comparative study of victims' rights In the investigation and prosecution stages in The act of Criminal Procedure 1392 and the international criminal court*, *Criminal Law Research Quarterly*, Vol. 19, 2017
- Luc Walley, *Victimes et témoins de crimes internationaux: du droit à une protection au droit à la parole*, Translated By Tavakkol Habibzadeh and Mojtaba Jaafari., *International Law Review*, Vol .34., 2006.
- Najafi Abrandabadi.Alihossein., *A criminological approach to the law respecting legitimate freedoms and protecting civil rights". Culmination of Law*, Vol. 13 and 14., 2016.
- Najandimanesh. Heybatollah and Shariyar Amouzgar., *The Palace of Victim in the Constitution of International Criminal Court*, *Judiciary Quarterly*, 2017, Vol. 91.
- Nitazmand. Neda, Mehrdad Reyejian and Mohammadmahdi Saghiyan., *The Challenges of Victim`s Rights in the International Criminal Court*, *Criminal and Criminological Studies*, Vol. 1., 2019.
- Razavifard. Behzad & Hasan Faghih Mohammadi., *The Evolution of Victims Rights under the Laws of the International Criminal Court*, *International Law Review*, 2011, Vol. 45.
- Reyejian.Mehrdad., *Protective Victimology*, Second Edition, Tehran, Dadgostar, 2010
- Taghipour. Alireza, *Restrictions of Examination of witness in Rules of Procedure and Jurisprudence of International Criminal Courts*, *Contemporary Comparative Legal Studies*, 2011 Vol. 2, Issue. 2.
- Zamani. Seyes Ghasem & Seyed Ebrahim Hosseini, *Concept of Victim in International Criminal Law*, *Journal of Criminal Law and Criminology Research*, 2016, Vol. 9.